

مبارز برجسته ترکیه ای: از شنیدن خبر شهادت معاون حزب اسلام جمهوری آذربایجان بسیار متأثر شدم

اسلامگرایان آذری از قبیل دکتر صمداف، انسانهای آگاه، فعال و آزادی خواه هستند و ما حتما در کنار آنها خواهیم بود

g/سرویس آذربایجان

خبرگزاری آران / سرویس آذربایجان

هدی کایا برای فعالان عرصه حجاب و عفاف بانوی شناخته شده ای است. این بانوی ترکیه ای که به منظور شرکت در همایش بیداری اسلامی و زنان به کشورمان سفر کرده بود، روزهای شنبه و یکشنبه (24 و 25 تیرماه) را در تبریز گذراند. این فعال فرهنگی و اجتماعی حرفهای زیادی برای گفتن داشت و در برنامه های مختلفی از جمله نشستهای مشاوران جوان، دانش آموزان دختر عضو انجمن های اسلامی و... سخنرانی نمود. در حاشیه یکی از این برنامه ها؛ فرصتی دست داد تا خبرنگار آران نیوز با این فعال عرصه حجاب و عفاف به گفتگو بنشیند. در این گفت و گو خانم هدی کایا در حالی که پسر و عروسش نیز او را همراهی می کردند با صبر و حوصله مثال زدنی از سرگذشت و اعتقادات خود و نیز مسائل ایران، ترکیه، جمهوری آذربایجان و سوریه و... سخن گفت که مطالب ذیل تنها چکیده ای از سخنان این مبارز ترک می باشد.

*من در 9 اکتبر 1960 در استانبول متولد شدم، در 18 سالگی رویایی دیدم که برایم آیه 10 سوره فرقان قرائت شد و من از آن زمان با تمام وجود به تعالیم اسلام علاقمند و پایبند شدم.

*حدود پانزده سال پیش به خاطر انتشار مقاله ای راجع به حجاب بیست ماه زندانی شدم و بعد از سه ماه از آزادی ام دوباره همراه با دخترانم به زندان و سپس به اتهام واهی تلاش برای تغییر حکومت به اعدام محکوم شدیم، دخترانم به دلیل خواندن شعر و دعای آزادی در یک برنامه تلویزیونی محکوم شدند، در حالی که آنها تنها دانش آموزان پایه دبیرستان بودند.

*مدتی بعد به دلیل اعتراضات زیاد و رد ادعاهای واهی، دادگاه عالی مجازات حکم ما را نقض نمود و ما دوباره به زندان محکوم شدیم، دختر کوچکم چون به سن قانونی نرسیده بود به مدت ده ماه زندانی شد و دیگر دخترانم یکی به مدت یک سال و دیگری به مدت دو سال زندانی شد.

*من در طول آن مدت 4 بار زندانی شدم که حدود سه سال طول کشید، این حرفها حالا خیلی آسان به زبان می آیند و مطرح می شوند اما هریک از آنان یادآور یک رنج بزرگ و تلخ است.

*انسانها معمولا قدر نعمتهایی را که دارند نمی دانند، هر موقع به ایران می آیم حسرت آزادی موجود در اینجا را می خورم، زنان و دختران ایرانی چه نعمتی دارند ولی نمی دانم که قدرش را می دانند یا نه.

*آزادی موجود در ایران برایم رویایی است، ما در این دو روز در چند برنامه شرکت نمودیم. در همه برنامه حرفهای من به زبان آذربایجانی ترجمه می شد و مردم در ادارات و دانشگاه ها و برنامه های رسمی بدون هیچ گونه مزاحمت، با زبان مادری خود صحبت می کنند ولی در ترکیه اینگونه نیست و مردم غیر ترک زبان سختی های زیادی دارند.

*متأسفانه اخبار مربوط به اسلام ستیزی دولت جمهوری آذربایجان و مقاومت مسلمانان این کشور در ترکیه منعکس نمی گردد. من وقتی چند ماه قبل با این مسائل آشنا شدم به دوستانم گفتم تا حالا فقط فکر می کردم که دولت ترکیه دوست و مطیع آمریکا و متحدان آمریکاست ولی الان می بینم که دولت جمهوری آذربایجان از ترکیه هم جلوتر زده و در آغوش اسرائیل قرار گرفته است.

*اسلام ستیزی و ممنوعیت حجاب در مدارس متوسطه جمهوری آذربایجان به دلیل نفوذ صهیونیستهاست. من از اوضاع این کشور ناراحت هستم و تصمیم دارم با برگزاری همایش در استانبول به تکلیف خودم در مورد مسلمانان آذربایجان نیز عمل کنم. اسلامگرایان آذری مانند دکتر صمداف انسانهای آگاه، فعال و آزادی خواه هستند و ما حتما در کنار آنها خواهیم بود. من امروز که خبر شهادت معاون حزب اسلام جمهوری آذربایجان را شنیدم بسیار متأثر شدم.

*من در فعالیتهای اجتماعی خیرخواهانه حضور فعال دارم. من در عید قربان که عید بزرگ مسلمانان است سه سال در کنار مسلمانان فلسطینی و یک سال در کنار مردم مظلوم سودان بوده ام.

*حوادث سوریه و نوع برخورد دولت ما با آن نوعی اختلاف و دو دستگی در ترکیه ایجاد نموده است، بخشی از مردم موافق سیاست اردوغان هستند ولی من و جمع دیگری از مردم حوادث سوریه را توطئه صهیونیستها می دانیم و معتقدیم که دولت ما باید هوشیار باشد.